

عدالت‌گرا باشند و هم مبارز با فساد؛ هم مدیر باشند و هم متعهد و در یک کلام، به عناصر واقعی قدرت ملی یعنی مردم‌گرایی و انقلابی‌گری باور داشته باشند.

افکار عمومی در سال‌های پیش‌رو با هر جریان و سلیقه سیاسی نیز مواجه شود، نباید از خاطر ببرد که فاصله «شعار» تا «عمل» و «وعده» تا «نتیجه» از زمین است تا آسمان. تجربه دولت‌ها و مجالس گذشته در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، از هاشمی و خاتمی و احمدی‌نژاد و روحانی گرفته تا ناطق و کروبی و حداد عادل و لاریجانی؛ همه و همه باید در حافظه تاریخی باقی بماند تا بدرستی وقایع سیاسی رصد شده و بویژه با نقش آفرینی و مشارکت در انتخابات آتی، بهترین تصمیم گرفته است.

امروز باید به این باور برسیم که جریان سیاسی مطلوب، جریانی است که ضمن اتکا به مردم و برای تحقق راهکارهای درست و رفع نیازهای ایشان، فعال و صادق است. به توان ملی باور دارد و در پی جهش کشور است. دولت سیزدهم نیز قطعاً بدون تکیه به قدرت مردم نخواهد توانست مشکلات را حل کند؛ این دولت بخوبی می‌داند که صرفاً با اتکا به اراده جمعی و بسیج عمومی می‌توان، شرایط را بهبود بخشید.

جریان‌های نامبرده، واقعیتی از صحنه سیاسی کشور است؛ یک گفتمان به

تنها عملکرد مناسبی از خود به جای نمی‌گذارد بلکه با شعارگرایی بیش از حد، ارزش‌ها و هنجارها را نیز تخریب می‌کند. خرده جریان اهالی نمایش همواره به پاشنه آشیل سیاسی جریان‌های سیاسی معروف است که نه به خود سود می‌رساند و نه دیگران.

د) خرده جریان «بی عمل»

در سال‌های گذشته یک خرده جریان سیاسی دیگر نیز در کشور بویژه در فضای مجازی نمود دارد که به تعبیر رهبر انقلاب همچون کودکان به شیشه سنگ می‌زنند و اصولاً گفتمان خود را در ضدیت با منافع ملی تعریف می‌کند و حمله به نهادهای نظام می‌داند. این جریان در سال‌های اخیر با ژست نگرانی برای مردم و اعتراض به وضع موجود اما هیچگاه جز سخنرانی و توثیق زدن، قدمی پیش نگذاشتند، حتی با آنکه بسیاری از افراد متعلق به این جریان دارای مسئولیت بودند اما خود نیز به عنوان اپوزیسیون نتایج اعتراض داشتند. جریان «بی عمل»، حداکثر تلاشش برای تحقق عدالت، فشردن صفحه کلید برای بزرگنمایی معضلات بود.

این خرده جریان گویی نسبت به تمامی مسائل کشور کارشناس است و بخوبی مشکلات را می‌داند اما هیچگاه خود برای رفع حداقلی نیازهای مردم یا پیش نمی‌گذارد و همچون دور گود نشینی است که خواهان غلبه بر مشکلات

مقوله محرومیت‌زدایی و رفع فقر غریب است؛ میدان را در تضاد با دیپلماسی می‌پندارد؛ پیشرفت را در گرو هضم شدن در دهکده جهانی تعریف می‌کند؛ در کارشناسی مسائل اجتماعی دین به قرائت‌های سکولار استناد دارد؛ در سال‌های جنگ تحمیلی یا تحریم اقتصادی هیچگاه خود را در کنار مردم ندیده است؛ توانایی ملت ایران را در آبگوشش بزپاش خلاصه می‌کند؛ قدرت کشور را در تهاتر نفت با پوست بز معرفی می‌داند؛ همزمان با مسئولیت چندین شرکت خصوصی تأسیس می‌کند و از قبل رانت خود سرمایه‌اندوزی می‌کند؛ در یک کلام برنامه ویژه‌ای را در طول مدیریت خود بر مناصب مختلف دولتی و غیره پیاده نمی‌کند و مشکلات را به دیگران نسبت می‌دهد. اینها مصادیق عینی از تکیه به گفتمان ارتجاع طلب است.

گفتمان ارتجاعی چند ویژگی عمده دارد: ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی، رفاه طلب، طرفدار وابستگی، اصرار بر ناتوانی، بزرگ‌نمایی ضعف‌ها در عین تحقیر دستاوردها، رانت‌خوار، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم پاسخگویی و عدم شفافیت، خودبرتربینی نسبت به مردم، تنبل و در یک کلام، بدون کارکرد و مصادیق عمده ناکارآمدی نفوذ و فساد از پیروی این گفتمان رقم می‌خورد.

ج) خرده گفتمان «کار نمایشی»

در کنار گفتمان‌های فوق الذکر همچنان جامعه سیاسی کشور شاهد آن است که عده‌ای با دستاویز به دغدغه‌مند نشان دادن خود نسبت به مشکلات، در پی بافتن کلاهی برای خود هستند. جریان متکی به این گفتمان به ظاهر در حال طی مسئولیت خود هستند اما در واقع کاری از پیش نمی‌برد و صرفاً نمایشی از رفع مشکلات را به جای می‌گذارند.

اهالی نمایش خرده جریانی هستند که بیش از آنکه بدرستی یا نادرستی افعال سیاسی خود بنگرند، به دنبال جلب توجه رسانه‌ها و افکار عمومی هستند و عمدتاً بدلیل عدم دارا بودن نیات مثبت، در رسیدن به هدف خود شکست می‌خورند. هویت این جریان به کارهای نمایشی‌شان وابسته است. گفتمان کار نمایشی نیروی محرکه جریانی است که آمارسازی می‌کند؛ جای انقلابی‌گری، انقلابی‌نمایی می‌کند؛ در صف شعار نفر اول و در صف عمل نفر آخر است؛ با ادعای عمل به قانون، قانون‌گریزی می‌کند و به جهت تخریب مضامین ارزشی همواره موجب انتقاد جریان تحول‌گرا است.

گفتمان نمایش رقم‌زننده پرتناقض‌ترین جریان سیاسی کشور است؛ یک روز برجام را متن متوازن می‌داند و فردا روز مدعی آتش زدن آن می‌شود؛ روزی اصلاح طلب و روز دیگر اصولگراست؛ در فرهنگ کلیشه گراست و در ترویج ارزش‌ها، ریاکار؛ به جای کار کردن، اهل گزارش و همایش است؛ یک روز مخالف شفافیت است و روز دیگر روز یاری آن؛ در یک کلام، نه

از مدیران جدید این دولت نیز نتواند پا به پای رئیس جمهور به دنبال تحول وضع موجود باشد و خدای ناکرده گرفتار ویژگی‌هایی شود که در گفتمان تحول‌گرایایی نداشته باشد.

به صورت کلی، گفتمان تحول‌گرا گفتمانی است که به دنبال تحقق واقعی و غیرکاسبیکارانه بیانیه دوم در عرصه‌های مختلف داخلی و خارجی است. این جریان می‌داند که هیچ راهی جز قوی شدن چه در زمینه اداری و تحقق حکمرانی عادلانه، چه در برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی و چه در اجرای بدون فساد همراه با تبیین و اقناع افکار عمومی وجود ندارد. و بخوبی می‌داند که برای ایران قوی و جهش کشور، به دور از تنبلی و خودخواهی، باید جهاد واقعی کرد.

مسئله‌ای که بیشتر از سوی دو نفر از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری اخیر یعنی سید ابراهیم رئیسی و سعید جلیلی پیگیری شد و ضمن دوری از حواشی زرد ایام تبلیغات برای تبیین بیشتر آن به گوش افکار عمومی رسید و مسئله‌ای که بیش از آنکه خود را درگیر جریانات سیاسی بکند، دغدغه اصلی‌اش رفع صادقانه نیازهای ملی و تأمین منافع مردم است. این گفتمان همچون گفتمان دیگر و دو خرده گفتمانی که نام خواهیم برد، عناصر خود را در سطوح مختلف نهاد‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... داراست که بر عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد.

ب) گفتمان ارتجاع طلب

گفتمان ارتجاع طلب یا ارتجاعی گفتمانی است که بدون دغدغه نسبت به تحقق اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی و نیازهای اساسی مردم و با تکیه بر منفعت‌طلبی، بهانه‌جویی یا حتی غفلت، عملکردی به جای می‌گذارد که مشکلات را افزوده و موجب نارضایتی می‌گردد. کارکرد این جریان همواره یادآور شرایطی است که ایران وابسته تصمیمات خارجی، درگیر تبعیض و بدون هویت ملی بوده. این گفتمان مروج جریانی است که حتی در برهه‌هایی از تاریخ انقلاب ضمن تکیه به عقیده دانشجویی توانست نسبت به قرائت زاویه‌دار از اهداف انقلاب بویژه درباره عدالت و پیشرفت، تئوری پردازی کند و همچنان در حال فضا سازی رسانه‌ای، مترصد بازگشتن به عرصه‌های کلیدی حاکمیت است.

تشکیل جلسات موسوم به «دولت سایه» از سوی رئیس جمهور سابق با حضور چهره‌هایی همچون علی لاریجانی، اسحاق جهانگیری، محمد خاتمی و... نشانگر آن است که جریان ارتجاعی که ۸ سال در دولت و ۱۲ سال در مجلس باعث درجا زدن کشور شد، سعی دارد تا بار دیگر و بتدریج به عرصه سیاسی کشور بازگردد و در برابر همان پاشنه سابق پچرخاند.

در سال‌های گذشته از این جریان دیدیم و شنیدیم که غرور ملی را در عکس یادگاری با غربی‌ها می‌داند؛ با



دنبال تحول مروج ارتقا و جهش کشور در ابعاد گوناگون است و گفتمانی دیگر به تجربه، ما را به عقب باز می‌گرداند. خرده جریان‌هایی همچون اهالی نمایش و اهالی بی عملی، اگرچه در مقام تعویصیت به آنها پرداخته شد اما واقعیتی هستند که بویژه در رسانه‌های مجازی نمود بیشتری نسبت به سایرین دارند. در نهایت فارغ از هر شخص یا دولتی، می‌بایست با تقویت عملی گفتمان تحول‌گرا، ضمن ممانعت از قوت گرفتن گفتمان ارتجاعی، فضا را بر نمایشگری و بی عملی بست تا هریک به وظیفه ملی خود عمل کرده باشیم.

است. جریانی که بدون ایده در سیاست و حکمرانی نوین، با تزریق تحلیل‌های غیرکارشناسی و قضاوت‌های سطحی و صرف داشتن هنر خودنمایی توانسته‌اند بخش کوچکی از عرصه سیاسی را به خود اختصاص دهند. خرده جریان «بی عمل» نیز همواره با سنگ اندازی بر مسیر، هم به خود ضرر می‌زند هم به دیگران.

ایران جدید در قرن جدید

پرواضح است که پیشرفت کشور و ارتقای سطح زندگی در تمامی شئون، نیازمند سیاستمدارانی است که هم صادق باشند و هم کارآمد؛ هم

میدان را در تضاد
با دیپلماسی
می‌پندارد؛

پیشرفت را در
گرو هضم شدن
در دهکده

جهانی تعریف
می‌کند؛ در
سال‌های جنگ
تحمیلی یا

تحریم اقتصادی
هیچگاه خود
را در کنار مردم

ندیده است؛
توانایی ملت
ایران را در

آبگوشش بزپاش
خلاصه می‌کند؛
قدرت کشور را

در تهاتر نفت با
پوست بز

معرفی می‌داند؛